

ورزش بانوان

جام دختران والیبالیست سیاهان
به چند دلیل ماندگار شد

قهرمانی در پیوند با نبض جامعه

در هوای شرجی ودم کرده شهر ماله، پایتخت مالدیو، همه چیز برای یک جشن تمام عیار مهیا بود. تابلوی امتیازات سالن، پیروزی قاطع سه بر صفر دختران والیبالیست سیاهان ایران در برابر نماینده قزاقستان را گواهی می داد.سوت پایان بازی که به صدا در آمد، قاعدتا باید نوبت به تخلیه انرژی ماهه‌تمرین سخت، دودین هاو عرق ریختن هادی رسید.اما در آن لحظه، سالن مسابقات شاهد صحنه‌ای بود که در تاریخ رقابت‌های «کلا» (منطقه آسیای مر کزی) کمتر کسی مشاهدش را دیده‌بود.

تیم سیاهان کبهِ عنوان نماینده ایران راهی این تورنمنت شده‌بود، از همان بازی اول نشان داد که برای چیزی فراتر از یک حضور ساده آمده‌است.انهار قزاق‌باریکسی پس از دیگری پشت سر گذاشتند؛از مالدیو میزبان تافرقیرستان و تاجیکستان، هیچ کدام جلودار اسپک‌های سهمگین و دفاع‌های مستحکم دختران اصفهانی نبودند. جام قهرمانی حلال‌در دستان آنها‌بود.واقعی نوبت‌به‌ایستان روی سکوی نخست رسید، دوربین‌های تلویز یونی و تماشاگران حاضر در سالن، با چهره‌هایی مواجه شدند که هیچ شباهتی به قهرمانان سرخوش نداشت. دختران ایران، با چهره‌هایی مصمم اما غمگین، دوشادوش هم ایستادند، خبری از فریادهای شادی، سلفی‌های خندان و بالا و پایین بریدن‌های مر سوم نبود. آنها جام را بالای سر بر دند، مدال‌ها را بر گردن آویختند، اما نگاه‌شان فرسنگ‌ها دور تر از ماله، به خانه‌هایی بود که در سوگ گذشته بودند.

این اولین بار نیست که مستطیل سبز یاسالن‌های والیبال، شاهد چنین صحنه‌هایی هستند. این رفتار هوشمندانه و همدلانه، یادآور روزی است که دختران خاتون بم در لیگ برتر فوتبال ایران، با وجود قهرمانی مقتدرانه، از بر گزازی جشن مر سوم خودداری کردند. در آن روزها هم، دختران بم نشان دادند که قهرمانی بدون پیوند با نبض جامعه، تنها یک تکه‌فلز و پلاستیک است. حالاسیاهانی‌ها در مالدیو، همان مسیر ادامه دادند. آنها می‌دانستند که در روزهای تلخ و پس از اتفاقات ناگواری که بر پیکر ایران و مردمش نشسته است، خندیدن بر فراز سکو، نوعی بی احترامی به داغ‌هویوطن است. این «خوشحالی نکردن» نه از روی بی میلی به پیروزی، بلکه افتخار نشان هندهد درک عمیق از جایگاه ورزشکار ملی بود.



در دنیای حرفه‌ای ورزش، اسپانسر هاو بر گزار کنندگان همیشه به دنبال لیخندهای پهن برای بیلبورد‌های تبلیغاتی هستند. اما دختران سیاهان انتخاب کردند که بیلبورد واقعی قلب بم باشند. آنها نشان دادند که مدال طلایرمانی در خشش واقعی پیدای کند که بازتاب‌دهنده دردهای کسانی باشد که در دورترین نقاط ایران، چشم به موفقیت فرزندان‌شان دوخته‌اند.اما دل‌شان از حوادث اخیر شکسته است. این سکوت روی سکوی قهرمانی، در واقع نوعی کنشگری نچینه‌بان بود. آنها با بیان بدن خود به دنیا گفتند که ما قهرمانیم، ما قدر نعمتیم، اما ما جدا از مر دهمان نیستیم. اگر آنها غمگین اند، ما هم دل‌بلی برای پاکبوی نداریم. این قیقا همان نقطه‌ای است که ورزش از یک رقابت فیزیکی صرف، به یک پدیده انسانی و ماندگار تبدیل می‌شود.

باید از کادر فنی و تکت‌باز یکنانی که این تصمیم دشوار را گرفتند، تقدیر کرد.ایستان در برابر وسوسه‌شادی در لحظه لوچ، کار هر کسی نیست. دختران والیبال ایران با این حرکت، جام اخلاق و معرفت را راحتی پیش از جام‌قهرمانی کلافتح کردند.دیده‌اند. آنها ثابت کردند که می‌توان در قلب قاپلوس هندود، اما تمام وجود، سگیتی غصه‌های پنهان در وطن را حس کرد. دختران ایران نشان دادند که قهرمان واقعی است که حتی در لحظه فتح قله، سرش را پایین می‌اندازد تا مبادا در هوش، مانع دیدن زخم‌های پای کوه‌شود.

خبر

استقلال خوزستان ۰-۱ فجر سیاسی؛ پیروز علاقه‌ای به ثبات ندارد

استقلال خوزستان با تک گل امیرحسین جلالی روز فجر را شکست داد و به رده دهم جدول صعود کرد. به گزارش فوتبال ۳۴۰، عصر دیروز در دومین دیدار از هفته بیست و یکم لیگ برتر فوتبال ایران، استقلال خوزستان در ورزشگاه فولادآر با نیمه‌صاف فجرسیاسی شیراز رفت؛ مسابقه‌ای حساس برای هر دو تیم که می‌توانست نقش مهمی در تغییر معادلات میانه جدول ایفا کند. این مسابقه از ساعت ۱۶ و با قضاوت مهدی جبرئیلی آغاز شد. دقایق ابتدایی بازی بیشتر در میله‌میدان دنبال می‌شد و دو تیم با رویکردی محتاطانه سعی داشتند از اشتباهات فردی در رهیز کنند. نیمه نخست از نظر خلق موقعیت گل چندان پر بار نبود، اما یکی از جنجالی‌ترین صحنه‌های داوری هفته در همین نیمه رقم خورد. در میانه‌های نیمه اول، یاداگر رستمی در محوطه جریمه استقلال خوزستان سرنگون شد. داوودان تیان این صحنه را تعارض تشخیص داد و پان شان دادن کارت زرد به بازیکن فجر، بازی را ادامه داد. با این حال، پس از بازبینی تصاویر توسط VAR، تصمیم داویر تغییر کرد؛ کارت زرد پس گرفته شد و نقطه پنالتی اعلام شد. این تغییر رای، فضای بازی را برای دقایقی تحت تأثیر قرار داد و اعتراضات پراننده‌ای از سوی بازیکنان استقلال خوزستان به همراه داشت. فرشید اسماعیلی پشت ضربه پنالتی ایستاد؛ ضربه‌ای که می‌توانست روند مسابقه را کاملاً تغییر دهد. اسماعیلی توپ را به سمت راست دروازه نواخت، اما محمدجواد کیا با پیش‌بینی درست جهت توپ و واکنشی تماشایی، ضربه را مهار کرد. این مهار پنالتی نه تنها استقلال خوزستان را در بازی نگه داشت، بلکه انرژی مضاعفی به تیم میزبان بخشید. با آغاز نیمه دوم، استقلال خوزستان چهره توحامی‌تری به خود گرفت. در دقیقه ۵۸ رسال بلندبو حمدان از حوالی خط میانی به پشت مدافعان فجر رسید. سیان پور با درک درست از موقعیت و استفاده از خروج ناموفق غلامزاده، توپ را از بالای سر دروازه‌بان عبور داد تا امیرحسین جلالی و ندد در موقعیتی ایده‌ال قرار بگیرد. مهاجم استقلال خوزستان نیز با خونسردی، توپ را وارد دروازه خالی کرد و تیمش را پیش انداخت.

در نهایت استقلال خوزستان با همان تک گل به پیروزی رسید؛ بر دی از رزشمند که آن‌ها را ۲۵ امتیازی کرد و به رده دهم جدول رساند. فجر سیاسی نیز با وجود تلاش برای جبران نتیجه، با ۲۷ امتیاز در جایگاه هشتم باقی ماند.

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا

مدیر مسئول: مسعود حیدری

زیرنظر شورای سردبیری

مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

اوسمار بعد از سه شکست خارج از خانه فقط برد می‌خواهد

مرگ یا زندگی؟!

آر یا طاری

هفته بیست و یکم لیگ برتر خلیج فارس، تحت تأثیر یک سکوت عجیب در قله است. سه غول ۳۵ امتیازی لیگ (استقلال، تراکتور و سپاهان) به دلیل حضور در رقابت‌های آسیایی، بازی‌های‌شان لغو شده و از دور، نظاره‌گر مستطیل سبز هستند. این یعنی یک خلاء قدرت موقت در صدر جدول ایجاد شده است. در این میان، پرسپولیس ۳۴ امتیازی و گل‌گهر ۳۳ امتیازی، تنها کسانی هستند که کلید این خلاء را در دست دارند. اما زیر پوست این شانس طلایی برای صدرنشینی، یک درام هولناک برای سرخ‌پوشان پایتخت در جریان است. این بازی برای گل‌گهر، یک فرصت لوکس برای خودنمایی است، اما برای پرسپولیس و به‌ویژه اوسمار ویرا، چیزی شبیه به یک نبرد مرگ و زندگی است. اگر پرسپولیس در کویر سیرجان زانو بزند، دیگر صحبت از صدرنشینی نیست؛ صحبت از پایان یک رویا و شاید پایان دوران مربی برزیلی در تهران است. در آن سوی میدان، گل‌گهر با ۳۳ اسکوچی و سپاهان نویدکیادار هتل‌های مجلل آسیا مشغول آنالیز رقیب‌ای قاره‌ای هستند. لیگ داخلی را در وضعیت تعلیق رها کرده‌اند. عدد ۳۵، مثل گل کوه، صدر جدول را فرق کرده است. پرسپولیس با ۲۴ امتیاز، تنها به یک پیروزی نیاز دارد تا با ۳۷ امتیاز، از این ترافیک سنگین عبور کند و به تنهایی پادشاه هفته شود. اما مشکل اینجااست که پرسپولیس نیم‌فصل دوم، تیمی نیست که بشود به راحتی روی بردن آن در خارج از خانه شرط بست. آنها تا اینجا‌ی کار، متسام تعارف‌های صدرنشینی را با بی‌رحمی پس زده‌اند. بازی با گل‌گهر، آخرین فراخوان برای بازگشت به صف مدعیان واقعی است؛ فراخوانی که اگر نشنیده گرفته شود، عواقبش فراتر از یک جابجایی در جدول خواهد بود.

وضعیت اوسمار ویرا اکنون با هیچ مربی دیگری در لیگ قابل مقایسه

اتفاق روز

سیمئونه در یک نیمه بارسا را به آتش کشید

طوفان متروپولیتانو

نگار رشیدی

فوتبال، بر خلاف ریاضیات، منطق خطی ندارد. اگر داشت، بارسلونا هانسی فلیک که با آن پرس شدید و خط دفاعی جسورانه و بلندش، تمام اروپا را در ماه‌های اخیر مرعوب کرده بود، نباید در جهنم متروپولیتانو با چهار گل زانو می‌زد. اما پنج شنبه شب، فوتبال بار دیگر ثابت کرد که تجربه تلخ گامبی بر نبوغ مدرن پیروزی می‌شود. برد چهار بر صفر اتلتیکو مادرید مقابل بارسلونا در نیمه‌نهایی کوپال‌دی، تنها یک نتیجه ورزشی نبود؛ یک بیانیه بود. بیانیه‌ای که دیه‌گو سیمئونه با جوهر خون و عرق، روی چمن سبز نوشت.

بارسلونای فلیک در این فصل شبیه به یک ساعت سوئیسی دقیق عمل می‌کرد. تله‌های آفساید آنها، مهاجمان بزرگ جهان را به استیصال کشانده بود. اما سیمئونه، این استراتژیست کوچک‌های بن بست، می‌دانست که برای در هم شکستن یک ساعت دقیق، لازم نیست چرخ‌دنده‌هایش را بفهمید؛ فقط کافی است یک سنگ لای آن بیندازید. سیمئونه مقابل بارسا به ریشه‌های خود بازگشت. او اجازه داد بارسا مالک توپ باشد، اجازه داد آنها در میانه میدان با پاس‌های کوتاه خودنمایی کنند، اما واقع و واقع او داشت

چهره به چهره

آرتتا قرار است باز هم قهرمانی را از دست بدهد

سایه پپ

نازنین دشتی



چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپهر، پلاک ۱۳۲

تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰(

اینستاگرام: @tosee_irani

نشانی سایت: toseeirani.ir

ایمیل: toseeirani@gmail.com

شماره ۲۱۱۹ / شنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۴ / ۲۵ شعبان ۱۴۴۷ / ۱۴ فوریه ۲۰۲۶



بلیت خروجش از باشگاه را رزرو خواهد کرد.

و اما نتیجه‌گیری؛ هواداران پرسپولیس خسته‌اند. آنها خسته‌اند از دیدن تیمی که در لحظات حساس، وا می‌دهد. بازی با گل‌گهر، آخرین فرصت برای اوسمار است و نه فقط یک تمرین در دروازه‌های سخت‌انداخت و نه صندلی آنالیزور خوب که به اشتباه روی صندلی که مردوزهای سخت‌انداخت و نه صندلی سرمربیگری نشسته است. سیرجان می‌تواند محل تولد دوباره پرسپولیس باشد یا گورستان آرزوهای این فصل. وقتی سوت پایان بازی به صدا درآید، یا شاهد جشن سرخ‌پوشان در کویر خواهیم بود و یا شاهد چهره مغموم مربی‌ای که می‌داند چمدان‌هایش را باید ببندد. اینجا سیرجان است؛ جایی که اکسیژن کم است و فشار، از همیشه بیشتر!

بازی پرسپولیس و گل‌گهر، فراتر از سه امتیاز است. این بازی، عیار شخصیتی پرسپولیس را تعیین می‌کند. سناریوی اول و برد پرسپولیس؛ قرمزها با ۳۷ امتیاز به صدر می‌روند، بحران اوسمار فروکش می‌کند و تیم با روحیه‌ای مضاعف منتظر بازگشت آسیایی‌های ۲۵ امتیازی می‌ماند. این یعنی بازگشت پرسپولیس به مدار قهرمانی. سناریوی دوم و تساوی؛ پرسپولیس به عدد ۳۵ می‌رسد و در ترافیک صدرنشینان غرق می‌شود. این نتیجه برای اوسمار یک تنفس مصنوعی است، اما مشکل را حل نمی‌کند. سناریوی سوم و باخت پرسپولیس؛ گل‌گهر به صدر می‌رود. پرسپولیس به رده پنجم سقوط می‌کند. اوسمار ویرا با اسکانزنامه چهار شکست پیاپی خارج از خانه، احتمالاً

گلزنی روی دوش علیپور و ایگور سرگیف است. اگر علیپور نتواند در سیرجان دروازه را ببندد، ششاید خودش هم به یکی از قربانیان اصلی این فصل تبدیل شود.

گل‌گهر تیمی است که به خوبی از فضاهای پشت مدافعان استفاده می‌کند. آنها می‌دانند که دفاع پرسپولیس در نیم‌فصل دوم، کند و مستعد اشتباه است. از سوی دیگر، پرسپولیس باید با محمد خدابنده‌لو و میلاد سرلک میانه میدان را از آن خود کند. اوسمار احتمالاً الواراز، از دست دادن ششش به میدان می‌آید و این ترس، خطرناک‌ترین مشاور یک مربی است. آیا او جرأت می‌کند دست به تغییرات رادیکال بزند؟ یا باز هم به همان سیستم شکست‌خورد بازی‌های قبلی تن می‌دهد؟

چهار گل جلو است، دفاع کردن در نیو کمپ نه یک اجبار، بلکه یک لذت است. بارسا برای صعود باید پنج گل بزند و هیچ گلی نخورد. با وضعیت خط دفاعی و غیبت اریک گارسیا (که علی‌رغم اشتباهاتش، مهره محبوب فلیک بود)، تصور اینکه اتلتیکو در ضدحملات گلی نزند، بیشتر به شوخی شبیه است.

این باخت چهار بر صفر، یک زخم عمیق بر پیکره تیم جوان بارسا است. لاملین یامال و کوپارسی، هرچقدر هم با استعداد باشند، سیتی در حال حاضر در وضعیتیتی است که بی‌و خون را حس کرده. آنها چهار امتیاز عقب هستند، اما از نظر روانی، برنده این هفته بودند. پپ با آرامش همیشگی‌اش در کنفرانس‌های خبری می‌گوید «هنوز بازی‌های زیادی مانده». اما در دلش می‌داند که آرسنال شروع به لرزیدن خواهد کرد.

پنج‌شنبه شب در مادرید، سیمئونه ثابت کرد که هنوز پادشاه بازی‌های بزرگ است. او به فلیک یاد داد که فوتبال فقط دودین و پرس کردن نیست؛ فوتبال یعنی دانستن اینکه چه زمانی باید عقب‌نشست و چه زمانی باید خنجر را فرو آورد. برد چهار بر صفر اتلتیکو، شاید پایان راه عمل هانسی فلیک با بارسلونا باشد. آنها حالا باید در نیو کمپ برای اعاده حیثیت بجنگند، نه فقط برای صعود. چرا که اگر معجزه‌ای رخ ندهد، این کوپال‌دی است که به و برتری افتخارات مرا از آنتینیتی اضافه خواهد شد و کاتالان‌ها باید با حسرت ششی که در متروپولیتانو همه چیز را باختند، به خانه برگردند.

که مهره‌هایش را برای ۱۰ حرکت بعد چیده است. او می‌داند که آرسنال در هفته‌های آینده بازی‌های سختی دارد؛ از دربی شمال لندن گرفته تا نبردهای حذفی.

سیتی در حال حاضر در وضعیتیتی است که بی‌و خون را حس کرده. آنها چهار امتیاز عقب هستند، اما از نظر روانی، برنده این هفته بودند. پپ با آرامش همیشگی‌اش در کنفرانس‌های خبری می‌گوید «هنوز بازی‌های زیادی مانده». اما در دلش می‌داند که آرسنال شروع به لرزیدن خواهد کرد.

اختلاف چهار امتیاز در لیگ برتر، یعنی فقط دو لغزش کوچک. آرسنال حالا نه تنها باید با رقبای داخل زمین بجنگد، بلکه باید با سایه‌های گذشته خودش هم مبارزه کند. آرتتا باید به بازیکنان جوانش مثل نوانری و بازیکنان باتجربه‌ای مثل رایس و اودگارد بفهماند که قهرمانی در لیگ برتر، با پاس‌های سالم به دست نمی‌آید، بلکه با قلب‌های سنگی به دست می‌آید.

اگر آرسنال نتواند از این تساوی تلخ درس بگیرد و در بازی‌های بعدی (مثل تقابل با وینگان در جام حذفی و سپس بازی‌های لیگ) به جاده پیروزی برنگردد، فوریه ۲۰۲۶ همان نقطه‌ای خواهد بود که تاریخ‌نگاران فوتبال از آن به عنوان آغاز پایان سلطنت نافر جام آرتتا یاد خواهند کرد.

کورس قهرمانی حالا رادفاز جنگ روانی شده است. پپ گواردیولا لیخنه می‌زند، آرتتا فریادی می‌کشد و هواداران فوتبال، نفس‌های‌شان را در سینه حبس کرده‌اند. آیا این بار، شاگرد از استاد عبور می‌کند یا باز هم تاریخ در برابر عظمت سیتی تعظیم خواهد کرد؟

را هم به چالش می‌کشید. اما در نیمه‌نهایی کوپال‌دی، سیستم پرس بالا (High Press) او تبدیل به پاشنه آشیل شد. سیمئونه با استفاده از سرعت ویرانگر لوکمن و هوش فضاشناسی خولیان الواراز، از فضای خالی پشت مدافعان بارسا استفاده کرد و در یک نیمه، تنها یک نیمه، چهار بار دروازه بارسا را باز کرد.

فلیک در کنار زمین، با آن چهره سنگی، برای اولین بار در مانده به نظر می‌رسید. او هیچ نقشه جایگزینی (Plan B) برای زمانی که تیمش چهار گل عقب است، نداشت. این باخت، بیداری تلخی برای هواداران بارسا بود؛ یادآوری این نکته که فوتبال حذفی، جای اشتباهات سیستمی نیست.

حالا سوالی که تمام کاتالونیا را به بی‌خوابی کشانده این است؛ آیا بازگشت ممکن است؟ چولو استاد بازی‌های بر گشت است. او تیمی دارد که می‌تواند ۹۰ دقیقه در محوطه جریمه خودی خیمه بزند و حتی یک روزنه به حریف ندهد. برای تیمی که

بازی سرد، بی‌روح و پر از اشتباه. آرسنال مالکیت توپ را داشت، اما چنگالی برای دریدن دفاع فشرده نیویر هانداشت. شاخص امید گل (xG) آرسنال در نیمه اول به قدری پایین بود که انگار تیم صدرنشین لیگ، هنوز در خنک جامانده است. در مقابل، داوید رایا که به خانه سابقش برگشته بود، با یک مهار خیره‌کننده روی ضربه سر ایگور تیاگو، اجازه داد فاجعه زودتر از موعد رقم بخورد.

دقیقه ۶۱، وقتی نونی مادوکو روی سانستری که از جناح چپ ارسال شده بود، با یک ضربه سر دقیق قفل دروازه کلهر را شکست، نیمکت آرسنال منفجر شد. آرتتا مشت‌هایش را گره کرد؛ انگار بازی چند تنی از روی دوشش برداشته شده بود. اما این شادی فقط ۱۰ دقیقه دوام داشت.

برنتفورد، تیمی که استاد استفاده از هرچ‌ومرچ است، روی یک پرتاب‌وت بلندو آشفنگی دفاعی آرسنال، توسط کین لوئیس-پاتر به گل رسید. ضربه سر او در تیر دوم، تیر خلاصی بود؛ به رویاهای آرتتا برای حفظ فاصله ۶ امتیازی. در دقایق پایانی، مارتینلی می‌توانست فرشته نجات شود، اما در خشش کلهر و شاید ترس از باختن، مانع از پیروزی شد. سسوت پایان جان بروکس، موسیقی دلنوازی برای هواداران در منچستر بود. حالا سوال بزرگ در تمام کافه‌های اطراف استادپوم امارات این است؛ آیا آرتتا باز هم صدر را از دست می‌دهد؟ واقعیت این است که آرسنال تحت هدایت آرتتا، فوتبالیی فوق‌العاده بازی می‌کند، اما آنها هنوز در مدیریت بحران ضعیف نشان می‌دهند. غیبت یک بازیکن (سالیبا) نباید کل ساختار تیمی را که مدعی قهرمانی است به هم بریزد. در سوی دیگر، پپ گواردیولا شبیه به یک استاد شطرنج است.